

قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور»* در بوته نقد و تحلیل

دکتر محمدجواد صفار**

چکیده

به دنبال اظهارنظرها و گفتگوهای علمی پیرامون «روشهای نوین تولید مثل انسان از دیدگاه فقه و حقوق» مشهور به «باروری یا لقاح مصنوعی» و ضرورت بکارگیری روشهای باروری کمکی (ART) در درمان نازایی، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸/۵/۸۲، قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» را به تصویب رساند.

بحث از قانون مصوب از دو دیدگاه فقه و حقوق، روشن می‌سازد که قانون جدید تا چه اندازه با اصول و قواعد کلی حقوق و منابع فقهی منطبق است، و کودکی که از طریق روشهای باروری کمکی (ART) متولد می‌گردد، از لحاظ حقوقی چه رابطه‌ای با زوجین متقاضی جنین دارد؟ وضع حقوقی او از حیث نسب و آثار آن چیست؟ و زوجین دریافت‌کننده جنین نسبت به کودک مولود، چه حقوق و وظایفی دارند؟

*. منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۷۰۳۳ مورخ بیست و نهم مردادماه ۱۳۸۲.

** استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مقاله پیش‌رو، تلاشی است برای ارائه تحلیلی حقوقی بر مواد قانون جدید و نقد و ارزیابی آن و سعی دارد تا به همه پرسشهایی که در این زمینه مطرح است، به پاسخهائی مناسب، دست یابد.

مقدمه

تولید مثل و تکثیر نسل، ضروری‌ترین قاعده بقاء و دوام جامعه، در سایه خانواده شکل می‌گیرد و از همین رو «خانواده» به عنوان نهادی مقدس، مورد توجه و احترام ادیان، قوانین و عرف می‌باشد. حفظ و استحکام این نهاد مستلزم برقراری رابطه عاطفی، وفاق و همدلی بین زن و شوهر است که با پیدایش اولاد میسر می‌گردد. زیرا، کودکان علاوه بر آن که تداوم بخش نسل و نسب می‌باشند، مایه امید، تلاش و نشاط زندگی بوده، پیوند و اتحاد میان زن و شوهر را استوار ساخته و به ثبات و پایداری زندگی مشترک، کمک می‌رسانند.

مسأله نداشتن اولاد و محرومیت از این نعمت، یکی از مشکلات اساسی بوده که از دیرباز بشر با آن روبرو بوده است.^۱ بسیاری از خانواده‌هایی که عمری ثروت و وقت خود را صرف درمان نازایی کردند و با آرزو و حسرت داشتن اولاد، چشم از دنیا فرو بستند و چه بسا، خانواده‌هایی که در کمال خوشبختی به علت فقدان فرزند، تن به متارکه دادند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لله ملك السموات و الارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء اناثاً و یهب لمن یشاء الذکور، أو یزوجهم ذکراً و اناثاً و یجعل من یشاء عقیماً انه علیم قدیر» «خداست مالک زمین و آسمانها، هرچه بخواهد می‌آفریند، به هر که خواهد دختر و به هر که بخواهد پسر عطا می‌کند، یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار می‌دهد و هر که را بخواهد عقیم می‌گرداند، همانا او دانا و

۱. بر پایه گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO) در حال حاضر حدود بیش از یک و نیم میلیون نفر از زوجهای ایرانی نازا هستند.

تواناست».^۲ بشر در سایه علم و دانشی که موهبت الهی می‌باشد، توانسته است با نوآوریهای چشمگیر و شگفت‌آور در عرصه‌های مختلف زندگی انسانی، افقهای جدیدی را در جهت رفع کمبودهای جسمی، مادی و اجتماعی بگشاید، به ویژه با ظهور تکنولوژی نوین در تولید مثل انسانی و بکارگیری روشهای علمی مدرن در درمان ناباروری، موسوم به ART (روشهای کمک باروری)^۳ و پیدایش و توسعه مهندسی ژنتیک در امر تولد، ابواب جدیدی را در عالم پزشکی به روی زوجهای جوانی که خواهان فرزند می‌باشند ولی به دلیل بیماری این امکان به صورت طبیعی برای آنها وجود ندارد، گشوده است.

رشد، توسعه و تحول در فناوری ART و استفاده از روشهای متنوع آن در درمان ناباروری، ابعاد و جنبه‌های مختلف فلسفی، اجتماعی، دینی، اخلاقی و حقوقی به خود گرفته و مسائل بسیار بحث‌برانگیز را به وجود آورده که پاسخگویی به همه آنها، نیازمند تأملات جدی، دقیق و تحقیقات همه جانبه است.

اگرچه عمر استفاده از دستاوردهای فناوری ART در ایران بسیار کوتاه و کمتر از دو دهه است، اما مطالعات و مباحثات علمی پیرامون جنبه‌های فقهی و حقوقی «تلقیح مصنوعی» و یا «نسب تکنولوژیکی» و فروع آن، سابقه‌ای طولانی‌تر را پشت سر گذاشته و در حال حاضر ادبیات حقوقی و فقهی نسبتاً گسترده‌ای پدید آورده است. ولی مع الوصف هنوز برای تکمیل این ادبیات علمی، نیازمند پژوهشهای عمیق‌تر و

۲. سوره شوری، آیات ۴۹ - ۴۸.

3. Assisted Reproductive Techniques.

گسترده‌تری هستیم و امید می‌رود که در آینده نزدیک همگام با دانشگاه‌های معتبر دنیا، شاهد تأسیس دپارتمانها و پیش‌بینی واحدهای درسی «حقوق بیولوژیک» باشیم، که خوشبختانه با تأسیس دوره حقوق مالکیت فکری تا حدودی این امر محقق گردیده است.

خلاً قانونی و فقدان مقررات مربوط به تبیین وضع حقوقی ART در ایران یکی از دغدغه‌های فکری اصحاب دانش است، که با ابلاغ قانون جدیدالتصویب نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، تا حدودی مرتفع گردیده و انتظار می‌رود که قانونگذار با تنظیم و تدوین مقررات جامعتری در تبیین رژیم قانونی و حقوقی استفاده از «روشهای نوین باروری در تولید مثل انسانی» و روشن ساختن وضعیت حقوقی اطفال متولد شده با این روشها، بکوشد تا از این حیث کمبودها و کاستی‌های قانونی برطرف گردد. در این نوشتار، با بحث و بررسی پیرامون قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» جنبه‌های حقوقی و فقهی اهدای جنین و مولود ناشی از آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است، پرسشهای علمی پیرامون موضوع یاد شده و پاسخهای مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. شایسته یادآوری است که آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور تا زمان نگارش این مقاله به تصویب نرسیده ولی مواد چهارده گانه آن براساس پیش‌نویس نهایی که در اختیار اینجانب قرار گرفته و به احتمال بسیار زیاد با اندک اصلاحات به تصویب خواهد رسید، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

فصل اول

شرح اجمالی قانون و آیین‌نامه

قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» مشتمل بر پنج ماده در تاریخ ۸۲/۴/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۸۲/۵/۸ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، مدت زمانی کوتاه یک هفته، برای تأیید این قانون توسط شورای نگهبان، که حکایت از آمادگی و اتفاق نظر اعضای شورا، به ویژه اعضای محترم فقهای شورا را دارد، راه را برای تصویبات قانونی تکمیل‌کننده روشهای درمان ناباروری هموار ساخته و اهل فن می‌توانند این فرصت را مغتنم شمرده و پیشنهادهای لازم را جهت تصویب به دستگاه قانونگذاری ارائه دهند.

مبحث اول - روش تولید جنین و انتقال آن

ماده یک قانون مورد بحث،^۴ تنها انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی که با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در قانون مزبور تولید شده باشد، تجویز نموده و از سایر روشها نامی نبرده است. روش تجویز شده قانونی در اصطلاح پزشکی لقاح خارج رحمی (IVF)^۵ نام دارد. این روش درمانی که روش ساده‌ای است و

۴. ماده ۱ مقرر می‌دارد: «به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.»

5. In Vitro Fertilization.

- بدون نیاز به بستری شدن بیمار انجام می‌شود، مراحل ذیل را دربرمی‌گیرد:^۶
- ۱- تحریک تخمک‌گذاری و جمع‌آوری تخمکها: با تحریک تخمدانها برای تولید تعداد کافی تخمک، آنها به اندازه پرتقال متوسط بزرگ می‌شوند و معمولاً در نزدیکی دیواره واژن (مهبل) قرار می‌گیرند. این امر به پزشک کمک می‌کند تا با سوزن هدایت‌شونده به وسیله سونوگرافی از طریق دیواره واژن، تخمکها را از تخمدان جمع‌آوری کند که این عمل معمولاً زیر بیهوشی عمومی یا موضعی انجام می‌شود.
 - ۲- تهیه و آماده‌سازی اسپرم که در صبح روز جمع‌آوری تخمکها مایع انزال از همسر بیمار تهیه و با روشهای مختلف شستشو و اسپرمهای سالم و بسیار فعال جدا می‌شود.
 - ۳- لقاح و رشد جنین در محیط آزمایشگاه.
 - ۴- انتقال جنین به داخل رحم: اگرچه تعداد جنینهای تشکیل شده معمولاً بیش از سه عدد است، به منظور جلوگیری از حاملگیهای چندقلویی فقط ۲ تا ۳ جنین به داخل رحم منتقل می‌شود و بقیه آنها با استفاده از روش ذخیره جنین منجمد شده تا در درمانهای بعدی مورد استفاده قرار گیرد.
 - ۵- تجویز هورمون پروژسترون^۷ که در نیمه دوم سیکل قاعدگی به منظور آماده‌سازی رحم برای لانه‌گزینی و نگه داشتن جنین به وسیله رحم به بیمار تجویز می‌شود و تست حاملگی حدود ۱۲ روز پس از انتقال جنین

۶. نقل از سخنرانی دکتر معرفت غفاری در نخستین سمپوزیوم فقهی - حقوقی اهدای جنین (تهران چاپ شده در مجموعه مقالات روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ۱۳۸۲، صص ۱۰-۱۲).

۷. Progestron یک هورمون جنسی زنانه است که توسط تخمدانها تولید می‌شود و نقش آن آماده‌سازی رحم برای لانه‌گزینی جنین در آن است. در مراحل بعد از حاملگی این هورمون توسط جفت تولید می‌شود.

انجام می‌شود.

انتقال جنین در روش اهدای جنین ممکن است به یکی از دو صورت
ذیل، صورت گیرد:

الف. زوجهایی که تشکیل خانواده داده‌اند و فقط به منظور تولید
جنین و اهدای آن به زوجهای نابارور تحت درمان IVF قرار گیرند.
ب. زوجهای نازایی که تحت درمان IVF هستند و پس از حاملگی و
بچه‌دار شدن، جنینهای اضافی تشکیل شده را که در نیتروژن مایع منجمد و
ذخیره‌سازی نموده‌اند به زوجهای نازای دیگر اهدا می‌کنند.
در این روش، پزشک تمام عوارض ناشی از اهدای جنین، از جمله
عوارض فیزیکی، مانند عفونت و اسکار دائمی و نیز عوارض روحی و
روانی ناشی از آن را به فرد اهداکننده اطلاع می‌دهد. پیش از اهدای جنین،
تاریخچه ژنتیکی و پزشکی زوجهای اهداکننده و آزمایشهای خونی برای
تشخیص بیماریهای عفونی از جمله ایدز، هپاتیت، سیفلیس و گروههای
خونی آنها بررسی می‌شود و آنان اجازه نامه کتبی مبنی بر استفاده از جنینها
و عدم داشتن هیچ گونه حقوقی نسبت به جنینها و نوزادان متولد شده را
امضا می‌کنند.^۸

مبحث دوم - شرایط قانونی تولید، اهدا و دریافت جنین

گفتار اول. شرایط تولید جنین

۱- تولید جنین تنها در مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح و
سایر مراکز بهداشتی و درمانی که از وزارت بهداشت، درمان و آموزش

۸. همان، ص ۱۶.

پزشکی مجوز فعالیت در این زمینه را دریافت داشته و یا در مراکز درمان ناباروری وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی و در شرایط کاملاً بهداشتی باید انجام گیرد.^۹

۲- تولید جنین باید با رعایت ضوابط شرعی، و به وسیله نطفه و تخمک زوجهای قانونی و شرعی و به صورت تلقیح خارج از رحم صورت گیرد. عمده‌ترین ضوابط شرعی را می‌توان در منع تماس و نگاه نامحرم و حرمت انزال مایع زوج از طریق استمناء برشمرد. اسپرم و تخمک باید متعلق به مرد و زنی که رابطه زوجیت دائمی یا موقت (قانونی) یا رابطه زوجیت شرعی دارند، باشد.^{۱۰}

۳- تلقیح مصنوعی صورتهای گوناگون دارد که در مباحث آتی به آن اشاره می‌شود اما تنها صورت تجویز شده، تلقیح خارج از رحم و تشکیل جنین و انتقال آن به رحم زن نازا می‌باشد. این روش از بین سایر روشهای درمان ناباروری، بدون ایرادات شرعی است و بسیاری از فقها اجرای آن را، بدون ممنوعیت شرعی و مباح دانسته‌اند.

گفتار دوم. شرایط قانونی اهدای جنین

قانون تنها به یک شرط در اهدای جنین اکتفا نموده و آن موافقت

کتبی زوجین صاحب جنین می‌باشد. اما از سلامت روحی، روانی و جسمانی

۹. ماده یک قانون نحوه اهدای جنین و ماده هشت پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی آن. در ماده نه آیین‌نامه آمده است: «نگهداری و انتقال جنین باید وفق دستورالعملهایی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر می‌نماید و تحت نظارت دقیق مراکز مدیریت پیوند آن وزارتخانه انجام گردد».

۱۰. در شرع حلیت استمتاع علاوه بر نکاح به ملکیت ۱ ماء (کنیزداری) نیز ایجاد می‌گردد که در حال حاضر موضوعاً منتفی است و معلوم نیست چرا مقنن در کنار عنوان زوجیت قانونی که هر دو نوع دائمی و موقت را دربرمی‌گیرد به زوجیت شرعی که چیزی جز مالکیت نمی‌باشد، اشاره نموده است.

آنها و عدم اعتیاد به الکل و مواد مخدر و همچنین عدم ابتلا به بیماری‌هایی همچون ایدز و هیپاتیت نامی نبرده است. در پیش‌نویس آیین‌نامه، علاوه بر این که این خلأ مرتفع گردیده، به محرمانه بودن موضوع نیز اشاره شده است، به گونه‌ای که اهداکنندگان از اهدا گیرندگان و بالعکس نه در موقع اهدای جنین و نه پس از آن، هیچ‌گونه شناختی نداشته باشند و یا نتوانند شناختی به دست آورند. زیرا مجهول ماندن صاحبان جنین و دریافت‌کنندگان آن، علاوه بر آن که استفاده از قواعد شبهه در باب نسب را تسهیل می‌سازد، امنیت روانی و اجتماعی مولود و زوجین دریافت‌کننده جنین را تأمین ساخته و مانع بزرگی بر سر پیدایش دعاوی احتمالی نسب خواهد بود. بنابراین زوجین اهداکننده جنین، باید علاوه بر رضایت نامه کتبی، گواهی‌های مربوط به انجام تست‌های عدم اعتیاد و بیماری‌های یاد شده را اخذ و ارائه نمایند.^{۱۱}

گفتار سوم. شرایط قانونی دریافت جنین

مردان و زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آنها (هریک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، می‌توانند با تسلیم تقاضانامه مشترکی که باید از طرف زن و شوهر تنظیم گردد از دادگاه خانواده، درخواست صدور مجوز دریافت جنین را بنمایند. دادگاه خانواده در صورت احراز شرایط ذیل، مجوز دریافت جنین را صادر خواهد کرد:

۱- زوجین براساس گواهی معتبر پزشکی، نابارور تشخیص داده شوند و زوجه بدون این که هیچ‌گونه خطری اعم از روانی و یا جسمی

۱۱. ماده یک قانون اهدای جنین و مواد یک الی سه آیین‌نامه.

- متوجه وی گردد، قادر به دریافت جنین باشد.^{۱۲}
- ۲- صلاحیت اخلاقی زوجین، که توسط دادگاه احراز خواهد شد.
- ۳- تابعیت ایرانی زوجین.
- ۴- عدم محجوریت زوجین یا به تعبیری دارا بودن اهلیت.
- ۵- عدم ابتلای زوجین به بیماریهای صعب‌العلاج و انجام تستهای مربوط به هیپاتیت و ایدز.
- ۶- عدم اعتیاد به هیچ ماده‌ای اعم از الکل و مواد مخدر.
- ۷- برخورداری از سلامت کامل جسمی، روحی و روانی.
- بررسی صلاحیت زوجین متقاضی در دادگاه خانواده، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت و در صورت صدور قرار رد درخواست دریافت جنین اهدایی، این رأی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.^{۱۳}

مبحث سوم - حقوق و تکالیف زوجین دریافت‌کننده جنین و فرزند حاصل از انتقال جنین

ماده سه قانون نحوه اهدای جنین در این زمینه مقرر می‌دارد: «وظایف و تکالیف زوجین اهدا گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». ماده شش پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی نیز حقوق و وظایف والدین قانونی و طفل مولود را متقابل و همسان با والدین و اولاد طبیعی

۱۲. بند ۲ ماده ۵ آیین‌نامه.

۱۳. ماده ۴ قانون اهدای جنین و ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی.

دانسته است. آنچه که از لحاظ تحلیلی در این ماده قابل بحث می‌باشد، این است که آیا تمام آثار نسب شرعی همچون ولایت، وراثت و حرمت نکاح و نظایر آن هم بر این نوع نسب جاری است؟ یا آثار قانونی حاکم بر روابط والدین و فرزند مولود منحصر به سه اثر حضانت، انفاق و احترام و اطاعت است. در مباحث آتی به تحلیل دقیق‌تر این حقوق و وظایف می‌پردازیم.

فصل دوم

تحلیل مبانی نظری قانون نحوه اهدای جنین و نقد و بررسی آن

از مطالعه قانون اهدای جنین، چنین به دست می‌آید که موضوعات نیازمند تحلیل حقوقی و فقهی پیرامون سه محور خواهد بود. نخست: تحلیل پیرامون شرایط تکون و تشکیل جنین و انتقال آن به رحم زن نازا. دوم: تحلیل شرایط اهدا و دریافت جنین و سوم: تحلیل روابط حقوقی زوجین دریافت‌کننده جنین و طفل مولود.

ورود به مباحث یاد شده مستلزم پرداختن به چند موضوع مقدماتی است که بیان می‌شود. بی‌تردید، نخستین مطلب قابل بحث، توصیف واقعی و علمی پدیده نوپیدای اهدای جنین است تا بتوان به تحلیل حقوقی آن پرداخت.

مبحث اول - مراحل خلق انسان و تولد کودک

۱- از دیدگاه قرآن

داستان آفرینش انسان و پیدایش نسل وی در قرآن چنین بیان شده است: «... و بدأ خلق الانسان من طین، ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین» «... آغاز کرد خلقت انسان را از گل، آنگاه نسل او را در خلاصه‌ای از آب پشیز قرار داد». «بنابراین طبق این آیات، خمیرمایه اصلی و ابتدای خلقت آدم اولیه از خاک است و پیدایش نسل انسان، از

۱۴. سوره سجد، آیات ۷ - ۶

سلول جنسی متعلق به خود وی می‌باشد.^{۱۵} چنان که می‌دانیم، یکی از صفات طبیعی موجودات زنده، تولید مثل و تکثیر آنهاست. تکثیر موجودات تک سلولی، با تقسیم همان سلول (سلول ماده) صورت می‌گیرد، اما حیوانات و گیاهان چندسلولی، بدون استثنا، از یک سلول مخصوص، به نام تخم که از خود آنها پدید می‌آید، تولید می‌شوند.

«تخم» از اتحاد و اختلاط یاخته‌های مولد دو فرد نر و ماده که همنوع باشند حاصل می‌شود. از تخم، مستقیماً، موجود رسیده و کامل اندام پدید نمی‌آید، بلکه مراتب و مراحل می‌گذراند تا از آن، فرد کامل اعضا ظاهر شود. در مورد انسان نیز همین شرایط وجود دارد. این مراحل از زندگی انسان و یا هر موجود زنده را «احوال جنینی» و یا به طور ساده‌تر «جنین» یا «رویان» آن موجود می‌گویند.^{۱۶}

قرآن مراحل یا احوال جنینی انسان را این‌گونه بیان می‌کند: «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین، ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین، ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاماً فکسونا العظام لحماً ثم انشاه خلقاً آخر، فتبارک الله احسن الخالقین».^{۱۷}

با توجه به آیات ذکر شده، مراحل جنین بدین شرح است: نطفه، علقه، که خون بسته است، مضغه، که جنین به صورت گوشت درآمده است، عظام، که به صورت استخوان درآمده است و جنینی که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده است و خلق آخر که شکل و صورت پیدا کرده

۱۵. خلقت و خلافت آدم در میزان، علامه سید محمدحسین طباطبایی، گزینش شمس‌الدین ربیع، ص

۸

۱۶. یداله سبحانی، خلقت انسان، چاپ سوم، ۱۳۵۱، شرکت سهامی انتشار، صص ۶۶-۶۵.

۱۷. سوره نؤمنون، آیات ۱۴-۱۲.

و مرحله دمیدن روح در آن می‌باشد.

در آیات دیگر از قرآن کریم، خلق انسان از نطفه امشاج «انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج...»^{۱۸} یعنی از ترکیب سلول جنسی نر و ماده، یا از ماء دافق «خلق من ماء دافق»^{۱۹} یعنی از آب جهنده، یا از ماء مهین «الم نخلقکم من ماء مهین»^{۲۰} ذکر شده است و در جای دیگر از قرآن آمده است «... یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقاً من بعد خلق فی ظلمات ثلاث...»^{۲۱} همچنین قرآن نطفه را جزئی از منی دانسته است «الم یک نطفة من منی یمنی»^{۲۲} که فهم معنای آن مستلزم بررسی موارد کاربرد این واژه در قرآن است زیرا در دوازده مورد^{۲۳} این کلمه به کار رفته است.

۲- از دیدگاه دانش روز

فرایند پیدایش جنین و تولد نوزاد از منظر بیولوژی را می‌توان بدین شرح به اختصار بیان کرد:^{۲۴}

۱۸. سوره انسان، آیه ۲.

۱۹. سوره طارق، آیه ۵.

۲۰. سوره مرسلات، آیه ۱۹.

۲۱. سوره زمر، آیه ۶.

۲۲. سوره قیامت، آیه ۳۷.

۲۳. رک. المعجم المفهرس لا لفاظ القرآن الکریم، ص ۷۰۵.

۲۴. در تنظیم مطالب این بخش از مقالات پزشکی و دو مقاله زیر استفاده شده است که در مجموعه مقالات جمع‌آوری شده تحت عنوان روشهای نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق چاپ گردیده است:

الف: دکتر معرفت غفاری، روشهای پیشرفته در درمان نازایی، صص ۱۶-۱۷.

ب: دکتر محمد مهدی آخوندی - دکتر محمدرضا صادقی، ضرورت بکارگیری تکنیکهای باروری ... صص ۱۸-۳۹.

از ترکیب و لقاح دو سلول جنسی نر به نام «اسپرم» و سلول جنسی ماده به نام «تخمک» موجودی به نام «زیگوت» که جنین تک سلولی است به وجود می‌آید و سپس شروع به تقسیم می‌نماید. زیگوت از زمان تقسیم اولیه تا هشت هفته پس از آن «رویوان» یا امبریو نامیده می‌شود. رویوان پس از هفته نهم تا زمان حمل، «جنین» نامیده می‌شود و گاه به غلط رویانهای ۲-۸ سلولی را نیز جنین می‌نامند.

اضافه کنیم توصیف حقوقی اهدای جنین مستلزم تبیین واقعی تکنون جنین و انتقال آن به رحم زن نابارور است و این امر علاوه بر آن که نیازمند روشن ساختن مراحل خلق و تولد انسان می‌باشد، محتاج شناخت و توصیف واقعیت مادی موجودات تشکیل دهنده جنین از منظر زیست‌شناختی و پدیده‌شناسی علمی است و علاوه بر آن چون تکامل و پرورش جنین نیازمند مکان مناسب است باید به نقش رحم خواه اصلی (که همان رحم صاحب تخمک می‌باشد) و یا رحم جانشین [که ممکن است رحم زن دیگر (اجاره‌ای یا عاریه‌ای) و یا رحم مصنوعی (لوله آزمایشگاه) باشد] اشاره نمود. بنابراین لازم است تا یک توصیف علمی از واقعیت این موجودات صورت گیرد.

مبحث دوم - توصیف اجزای جنین و عمل لقاح

۱- توصیف اسپرم یا اسپرماتوزوئید

اسپرم (نطفه یا گامت) سلول جنسی نر است که در دستگاه تناسلی

د: همچنین بولتن‌های تولید مثل و نازایی، پژوهشکده ابن سینا، شماره‌های ۲۶-۱۸ و ویژه‌نامه فروردین ماه ۱۳۷۸، (مقالات پزشکی).

مرد تولید می‌گردد و در ترشحات شیری رنگی به نام (Semen) اجتماع و خارج می‌گردد. هر اسپرم که شباهت زیادی به بچه قورباغه دارد، دارای سر، قسمت میانی و دم می‌باشد. سر اسپرم که هسته سلول در آن قرار دارد، مشخصات ارثی و یا مواد ژنتیکی را حمل می‌کند. قسمت میانی انرژی حرکت و زنده ماندن اسپرم را فراهم می‌سازد و دم اسپرم هم باعث به حرکت درآوردن و نفوذ به درون تخمک و باروری آن را ممکن می‌سازد.

۲- توصیف اوول یا تخمک

تخمک یا اووسیت (Oocyte) که نطفه یا گامت نیز نامیده می‌شود به اندازه یک دانه شن بسیار ریز است که به عنوان بزرگترین سلول جنسی در بدن انسان ماده شناخته شده و به وسیله تخمدانها تولید می‌شود. در هر ماه، تخمدانها تعدادی از تخمکهای موجود در بدن را برای بالغ شدن انتخاب می‌کنند. ولی در هر دوره قاعدگی تنها یک و گاهی دو تخمک به مرحله بلوغ کامل و آزاد شدن از تخمدان می‌رسد که در صورت وجود شرایط لازم بارور می‌شود. تخمک از نظر ظاهری، ساختمانی مشابه تخمک بقیه موجودات زنده و حتی تخم مرغ دارد. در مرکز تخمک، هسته قرار دارد که حاوی کروموزومهاست. سیتوپلاسم اطراف هسته علاوه بر تولید انرژی و غذای تخمک، جنین را پس از لانه‌گزینی تغذیه می‌نماید. پوششهای غشایی تخمک، نظیر پوسته تخم مرغ و لایه‌های پرده‌ای است که در درون تخم مرغ، سفیده را از پوسته تخم مرغ جدا می‌سازد و این همان چیزی است که در قرآن به «ظلمات ثلاث»^{۲۵} تعبیر شده است. سید قطب، تاریکیهای

۲۵. سوره زمر، آیه ۶

سه گانه را شامل تاریکی کیسه دربردارنده جنین، تاریکی رحم که این کیسه در آن است و تاریکی بطن که رحم در آن قرار دارد، می‌داند.^{۲۶} علم روز وجود این سه غشا یا پوسته را ثابت نموده است.^{۲۷}

۳- توصیف زیگوت

با مجاورت اسپرم در کنار تخمک و نفوذ به درون آن، تخمک بارور شده و در نتیجه زیگوت (Zygote) به وجود می‌آید. تشکیل زیگوت با مشاهده دو پیش هسته در داخل تخمک تشخیص داده می‌شود و ۱۲-۱۸ ساعت پس از لقاح و باروری تخمک قابل مشاهده‌اند. اضافه کنیم که پس از ۲۴ ساعت اولین تقسیم در تخمک بارور شده قابل رؤیت است. بنابراین زیگوت سلول حاصل از لقاح گامت‌ها (تخمک و اسپرم)، قبل از شروع تقسیمات آن می‌باشد.

۴- توصیف رویان

رویان (embryo) در واقع واژه‌ای است که برای توصیف مراحل اولیه رشد جنین به کار می‌رود و از مرحله شروع تقسیم سلولی تا هفته هشتم حاملگی جنین را شامل می‌شود.

۲۶. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۷، ص ۱۲۴.

۲۷. مع‌الطب فی القرآن الکریم، ص ۸۵، به نقل از عمر بن محمد بن ابراهیم غانم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، ص ۲۵.

۵- توصیف جنین

پس از گذشت حدود ۲۴ ساعت از لقاح گامت‌ها (اسپرم و تخمک)، زیگوت که جنین تک سلولی است به وجود می‌آید. این سلول تقسیم میتوزی خود را انجام می‌دهد و تبدیل به دو سلول می‌شود. تقسیمات ادامه می‌یابد و هر بار تعداد سلولها ۲ برابر می‌شوند و در حدود مرحله ۱۶ سلولی، جنین حاصل به شکل کره توپُر کوچکی درمی‌آید که «مورولا» نام دارد. در حدود روز پنجم، جنین در مرحله مورولا به درون رحم می‌رسد.^{۲۸}

۶- توصیف لقاح

باروری (Fertilization) عبارت است از نفوذ یک اسپرم به داخل تخمک بالغ و ادغام مواد ژنتیکی این دو سلول جنسی برای تشکیل زیگوت. باروری، عمل بسیار پیچیده‌ای است که بایستی در محدوده زمانی بسیار مشخص انجام پذیرد. در تئوری، اسپرم مرد همیشه آماده برای باروری تخمک است. ولی تخمک زن پس از هر دوره تخمک‌گذاری فقط در محدوده زمانی ۱۲ تا ۲۴ ساعت پس از آزاد شدن قابل باروری است.

۷- توصیف لقاح مصنوعی

الف. غیرعلمی بودن ساخت سلول و لقاح نطفه‌های ناهمگون
اولین پرسش در این رابطه این است که آیا برای لقاح مصنوعی، امکان خلق و تولید یک سلول، مانند اسپرم یا تخمک وجود دارد؟ آیا

۲۸. حسن دیانت نژاد، بنیادها، یافته‌ها و آزمونهای زیست‌شناسی، انتشارات علوی، ۱۳۶۸، صص ۱۴۴-۱۴۵.

می‌توان با اسپرم مصنوعی، دست به تلقیح مصنوعی و تولید مثل انسانی زد؟ پاسخ آن است که تاکنون هیچ کس ادعای خلق و تولید یک سلول مانند اسپرم را ننموده و کاربرد واژه اسپرم مصنوعی در باروری انسان اشتباهی آشکار و از بعد علمی غیرقابل فهم و درک است.^{۲۹} از سوی دیگر این سؤال مطرح است که آیا در تلقیح مصنوعی می‌توان از اسپرم حیوان یا گرده گیاه استفاده نمود؟ چنان که بعضی از فقها و محققین در بحث از تلقیح مصنوعی و بررسی صورتهای آبستنی و تلقیح، به تلقیح اسپرم حیوان یا گرده گیاه اشاره کرده‌اند.^{۳۰} در پاسخ گفته شده است: اسپرم و تخمک به طور اختصاصی تنها قادر به لقاح با گونه و جنس مشابه خود است، بنابراین امکان ساخت سلول و یا تلقیح نطفه‌های ناهمگون، یک سخن غیرعلمی است.

ب. صورتهای لقاح مصنوعی

روشهای پیشرفته در درمان نازایی که به تلقیح مصنوعی می‌انجامد، شامل تلقیح اسپرم به داخل رحم (IUI)^{۳۱} که به دو صورت استفاده از اسپرم شوهر و اسپرم بیگانه است، لقاح خارج رحمی (IVF)^{۳۲}، تلقیح نطفه به داخل لوله رحم (GIFT)^{۳۳}، انتقال نطفه بارور شده به داخل لوله رحم

۲۹. دکتر محمد مهدی آخوندی - دکتر محمد رضا صادقی، ضرورت به کارگیری تکنیکهای باروری ... پیشین، صص ۲۱ و ۲۳.

۳۰. از جمله تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۵۵؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیبه فی مسائل جدید.

31. Intrauterine Insemination.

32. In Vitro Fertilization.

33. Gamete Intrafallopian Tube Transfer.

(ZIFT)،^{۳۴} تزریق اسپرم به داخل تخمک (ICSI)،^{۳۵} اهدای تخمک،^{۳۶} اهدای جنین و استفاده از رحم جانشین،^{۳۷} می‌باشد.

از روشهای درمان نازایی به دست می‌آید که تلقیح می‌تواند درون رحم یا خارج رحم صورت گیرد، همچنین تلقیح می‌تواند با اسپرم شوهر که آن را هومولوگ یا A.I.H^{۳۸} و با اسپرم بیگانه که آن را هتروولوگ یا A.I.D^{۳۹} می‌نامند صورت گیرد. تلقیح با اسپرم مصنوعی (ساخته دست بشر) و یا اسپرم حیوان و گرده گیاه همان گونه که اشاره شد امری نامقدور و غیرممکن است. بنابراین صورتهای تلقیح عبارتند از تلقیح نطفه متعلق به زوجین در درون رحم، تلقیح با نطفه شخص ثالث (که ممکن است یا اسپرم یا تخمک و یا هر دو متعلق به ثالث باشد) و تلقیح نطفه متعلق به زوجین که در رحم ثالث انتقال و پرورش یابد. رحم پرورش‌دهنده جنین ممکن است جنین را به عنوان فرزند خویش پرورش دهد (چنان که در قانون اهدای جنین آمده است) و ممکن است به صورت معوض (اجاره) یا غیرمعوض (عاریه) جنین را برای دیگری پرورش دهد. در حال حاضر نگهداری رویانهای حاصل از لقاح خارج رحمی بیش از ۲-۳ روز امکان‌پذیر نیست و محیطهای کشت جدید نیز تنها به مدت ۴-۵ روز جنین را در آزمایشگاه حفظ می‌کند و پس از آن الزاماً باید به رحم منتقل یا منجمد شوند. بنابراین امکان نگهداری جنین و پرورش آن برای مدت بیش

34. Zygote Intrafallopian Tube Transfer.
35. Intracytoplasmic Sperm Injection.
36. Oocyte Donation.
37. Surrogacy.
38. Artificial Insemination with Husband Semen.
39. Artificial Insemination with a Donorsemen.

از یک هفته نامقدور است.

مبحث سوم - حل مسأله نسب و تبیین وضعیت شرعی و فقهی روشهای نوین تولید مثل انسانی

در مورد طفل متولد از اهدای جنین دو موضوع قابل بررسی است: نخست. وضعیت شرعی و فقهی استفاده از این روش برای تولید مثل انسانی و دوم. وضعیت فقهی و حقوقی مولود و رابطه حقوقی او با صاحبان نطفه از یک سو و زوجین دریافت کننده جنین از سوی دیگر می باشد. پرداختن به این دو موضوع مستلزم تعیین ماهیت نسب و بیان شرایط انتساب شرعی و قانونی نسب به والدین می باشد.

گفتار اول. شناسایی ماهیت نسب، ملاک تشخیص نسب مولود ناشی از جنین اهدایی

در مسأله اهدای جنین این سؤال مطرح است که مولود ناشی از جنین اهدایی، نسب چه شخصی یا اشخاصی است؟ و با چه کسانی قرابت نسبی (خویشاوندی خواهر و برادری) پیدا می کند؟ زیرا با تعیین نسب، تکلیف قرابت نسبی نیز روشن می گردد و در پی آن آثار نسب از توارث، حرمت نکاح، انفاق، ولایت، حضانت، تابعیت و ... مشخص می گردد. فرضهای قابل طرح عبارتند از انتساب به زوجین صاحب نطفه، الحاق به زوجین متقاضی و آخرین فرض این که از لحاظ نسب مادری، طفل دو مادری است (مادر صاحب نطفه، مادر صاحب رحم).

پاسخ به پرسشهای یاد شده مستلزم شناخت تعریف و ماهیت نسب است.

یعنی باید مشخص شود که نسب چیست؟ و چه حقیقت و ماهیتی دارد؟ آیا نسب یک امر جعلی و قانونی است که به حکم و جعل مقنن وابسته است؟ یعنی هر جا که مقنن نسب را بپذیرد، نسب تحقق یافته است؟ چنان که در بعضی از کشورها از جمله انگلیس^{۴۰} و فرانسه^{۴۱} قانونگذار در کنار نسب ناشی از نکاح با مشروع ساختن نسب به وسیله نکاح بعدی، جعل نسب نموده است.^{۴۲} یا این که نسب یک امر واقعی، طبیعی و تکوینی است؟ و نسب به کسی ملحق می‌گردد که اجزای ژنتیکی و سلول حیاتی اولیه از آنهاست.^{۴۳} ممکن است نسب را امری عرفی بدانیم و بگوییم: قانونگذار یسا شارع آن را جعل نکرده یعنی حقیقت شرعی یا قانونی در مورد نسب وجود ندارد، بلکه شرع و قانون هم از عرف پیروی کرده و به کسی فرزند می‌گوید که از نطفه شخص پدید آمده باشد و شارع تنها در مورد زنا

۴۰. در حقوق انگلیس، طبق قانون مشروع کردن (Legitimacy Act) مربوط به سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۵۹ طفل غیرمشروع با ازدواج بعدی والدین او مشروع می‌شود و از تمام حقوق طفل مشروع بهره‌مند است. Law made simple p. 90.

۴۱. ماده ۳۳۰ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۱۹۹۳ در مورد (Legitimation) مقرر می‌دارد: «مشروع کردن نسب یا به وسیله ازدواج است و یا به وسیله حکم مقامات قضایی و طبق ماده ۳۳۱ (ژانویه ۱۹۹۳) هر طفل مولود خارج از نکاح با ازدواج بعدی پدر و مادر طبیعی، خود به خود نسبش مشروع می‌شود».

۴۲. در بسیاری از عروسی‌های امروز کشورهای اروپایی، معمولاً دخترانی که گل و حلقه نامزدی را در مراسم ازدواج برای عروس و داماد می‌آورند، فرزندان قبل از عقد خود آنان هستند. نیوزویک، شماره ۲۰، ژانویه ۱۹۹۷ به نقل از دکتر حسین مهرپور، مباحثی از حقوق زن، ص ۳۷۴.

۴۳. پاره‌ای ملاک نسب را حتی در مورد ولادت حرام (زنا) تنها جنینی که از دو جزء متعلق به زن و مرد پدید آمده می‌دانند و می‌گویند نفی برخی از احکام شرعی همچون توارث، نفی حقیقت ولد نمی‌کند، در عرف هم فرزند زن و مرد زناکار را فرزند آنها می‌شمارند. از مفاد آیات مربوط به تحریم نکاح همچون آیه ۲۳ سوره نساء فهمیده می‌شود که حقیقت فرزند (دختر) یک مرد بودن به آن است که از نطفه او به وجود آمده باشد و حتی ظاهراً آیه «... ان امهاتهم الا اللای و لدنهم...» که مادر را به گونه مطلق و به صیغه حصر آورده تنها کسی است که فرزند را زاده است چه مشروع و یا نامشروع. رک. مقاله آیت اله محمد یزدی، باروریهای مصنوعی و حکم آن، منتشره در روشهای نوین تولید مثل انسانی ...، صص ۷۱-۷۰.

حکم به قطع نسب داده است. بنابراین در مواردی مثل شبهه و یا مساحقه، شرع طفل را به صاحب نطفه ملحق می‌داند، چون عرف هم چنین داوری دارد. نظریه دیگری هم در مورد ماهیت نسب قابل طرح می‌باشد و آن این که نسب امری اعتباری است که از یک منشأ واقعی و حقیقی انتزاع یافته و آن تکون و پیدایش یک انسان از نطفه دیگری است. بدین لحاظ نسب از اعتباریات نفس‌الامری^{۴۴} است و صرفاً به اعتبار معتبرین وابسته نیست، بلکه خود یک منشأ حقیقی دارد که همان زاد و ولد است.

پرسشی که باقی می‌ماند این است که آیا رضاع، فراش، تبنی (فرزندخواندگی) را می‌توان نوعی جعل نسب دانست. در شرع اسلام و قانون مدنی، رضاع مانع نکاح است (ماده ۱۰۴۶ ق.م.ا). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» ولی سایر آثار نسب از توارث و غیره بر رضاع مترتب نمی‌باشد پس نمی‌توان صرف نشر حرمت را جعل نسب دانست، بلکه رضاع تنها از حیث مانعیت نکاح در حکم نسب است و اگر قرآن هم تعبیر به مادر و خواهر رضاعی نموده است از حیث حرمت نکاح می‌باشد «حرمت علیکم ... و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعة ...».^{۴۵}

۴۴. اعتباری دانستن یک امر به چند معناست. مثلاً وقتی مفاهیم ارزشی اخلاقی را اعتباری می‌دانند مقصود معنایی متفاوت از اعتباری دانستن ریاست و مرئوسیت می‌باشد و این دو معنایی متمایز از اعتباری بودن مفهوم «فوقیت» و «جهت» می‌باشد. در مفهوم اخیر وقتی می‌گوییم «کتاب روی میز است» مفهوم فوقیت در کنار کتاب و میز واقعیتهای مستقل مانند آنها ندارد ولی با توجه به وضعیت کتاب و میز و رابطه آنها که منشأ انتزاع مفهوم فوقیت هستند این امر اعتبار گردیده است. این نوع اخیر را اعتباریات نفس‌الامری می‌نامند، نه اعتباری محض. رک. علامه طباطبائی، نه‌ایة الحکمه، ص ۲۵۸ به بعد و علی شیروانی، شرح مصطلحات فلسفی، ص ۱۱۹.

۴۵. سوره نساء، آیه ۲۲.

قاعده یا اماره فراش را هم نمی‌توان به عنوان یک نهاد جعل نسب یاد کرد، زیرا این قاعده وسیله و اماره‌ای است برای کشف و اثبات نسب، که به منظور حمایت طفل و رفع سرگردانی و بلا تکلیفی وی از حیث نسب وضع گردیده، زیرا قانونگذار چنین مفروض دانسته اگر بین فراش و عاهر (زوج و زانی) در نسب اختلاف باشد با رعایت ضوابطی همچون حداقل و حداکثر مدت حمل، طفل به فراش (زوج) ملحق می‌گردد.

تنبی (فرزندخواندگی) نیز که در حقوق بعضی کشورها نسب دانسته شده است و در واقع یک نوع نسب قراردادی و توافقی است، در شرع اسلام و حقوق ایران پذیرفته نشده است. قرآن می‌فرماید «... و ما جعل ادعیائکم ابنائکم...»^{۴۶} و «... لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم...»^{۴۷} البته در حقوق ایران برای حمایت از کودکان بدون سرپرست، نهاد سرپرستی در مقررات موضوعه پیش بینی شده است. از تعریف‌هایی که دانشمندان از نسب نموده‌اند، همچون صاحب جواهر که می‌فرماید: (نسب عبارت است از منتهی شدن ولادت شخصی به دیگری مانند پدر و پسر یا انتهای ولادت دو شخص به ثالث، مانند دو برادر و پدر)^{۴۸} مشخص می‌گردد که در شناسایی ماهیت نسب باید داوری عرف را

۴۶. سوره احزاب، آیه ۳. در لسان عرب، فرزندخوانده «دعی» خوانده می‌شود که جمع آن ادعیاء می‌باشد.

۴۷. همان، آیه ۳۷. این آیه در پاسخ به اعتراض مردم به پیامبر که چرا با همسر مطلقه پسرخوانده خود زید بن حارثه ازدواج کرده نازل گردیده است.

۴۸. (هوالاتصال بالولادة بانها احدالشخصین الی الآخر کسلااب و الابین او بانتهائهما الی ثالث). جواهرالکلام، ج ۳۹، ص ۷. این فقیه اتصال ولادت را که منشأ اعتبار نسب است، نسب دانسته در حالی که حقیقت نسب امری است که از اتصال ولادت انتزاع می‌شود و به نظر می‌آید که بین امر اعتباری (نسب) و منشأ اعتبار (اتصال ولادت) در این تعریف خلطی صورت گرفته باشد.

دخالت داد و «ولادت» را منشأ اعتبار نسب دانست که به دو عنصر اساسی مرتبط است. یکی تکون طفل از نطفه و دیگری پرورش در رحم و نهایتاً زاییدن و تولد طفل می‌باشد.

بعضی از استادان حقوق،^{۴۹} به ملاک عرفی و اعتباری نسب روی آورده و در تعریف آن فرموده‌اند: «نسب عرفاً و لغتاً رابطه‌ای است اعتباری که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود». پاره‌ای از استادان نیز داوری عرف را در نسب قاطع ندانسته‌اند و در نسب جنین‌اهدایی معتقدند دشوار است که با اتکا به عرف، بتوان کودک را ملحق به صاحب رحم یا تخمک دانست و باید قانونگذار دخالت نماید.^{۵۰}

گفتار دوم. نقش رحم در انتساب طفل به مادر

پرسش دیگری که در راستای تبیین و تعیین نسب مادری مولود ناشی از جنین‌اهدایی مطرح می‌باشد، این است که درست است نسب از تأسیسات و مفاهیم شرعی و قانونی نیست، بلکه از مفاهیم عرفی و اعتباری است و عرف با ملاحظه مناسبات بین صاحبان نطفه و جنین آن را انتزاع می‌کند و قانونگذار هم در واقع این داوری عرفی را امضا و تأیید می‌کند و گاه شرایط و قیودی هم به آن اضافه می‌کند، اما آیا مناسبات بین جنین و صاحب رحم به اندازه‌ای هست که در داوری عرف مؤثر واقع شده و بتواند طفل را به زن صاحب رحم نسبت دهد؟ از مفاد و برخی آیات

۴۹. دکتر مهدی شهیدی، تلقیح مصنوعی انسان، مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۱، مهرماه ۱۳۴۵.

۵۰. دکتر صفایی، میزگرد حقوقی نخستین سمپوزیوم مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین، بهمن ۱۳۷۷، منتشره در ویژه‌نامه بولتن تولید مثل و نازایی پژوهشکده بیولوژی جهاد دانشگاهی، فروردین ۱۳۷۸.

قرآن^{۵۱} چنین برمی آید که کودک به زن صاحب رحم ملحق می گردد. یعنی چون مبنای داوری در عرف آن زمان زاییدن بوده و زنی که کودک را زایمان می کرد او را مادر می دانستند، شارع نیز این عرف را امضا کرده است.

از نظر پزشکی نیز ثابت شده است که رحم، نقشی بسیار فراتر از یک ظرف و تغذیه تنها برای جنین را دارد. زیرا، جنین قبل از لانه گزینی به صورت یک توده سلولی تمایز نیافته و مانند یک تومور سرطانی قادر به جایگزینی در هر بخشی از بدن است و اگر در جایی به جز رحم جایگزین شود، مثل یک تومور رشد کرده و سبب تخریب بافت جایگزین شده می گردد، چنان که در حاملگی های خارج رحمی منجر به خونریزی فراوان از بافت مجاور می گردد. در صورتی که همین جنین فقط در زمان خاصی در رحم قادر به جایگزینی می باشد و در غیر این زمان، توسط رحم دفع می شود. بنابراین یکی از نقشهای مهم رحم، آماده سازی برای پذیرش جنین و کنترل رشد تهاجمی آن می باشد. از سوی دیگر، جنین محتویات ژنتیکی (ترکیبی از صاحب تخمک و اسپرم) متفاوتی از مادر دارد و به همین جهت به طور طبیعی توسط سیستم ایمنی مادر به عنوان یک جسم خارجی تلقی شده و باید دفع گردد، ولی سیستم دفاعی در رحم به طور موضعی مهار می شود تا جنین دفع نگردد، و اگر سیستم ایمنی مهار نشود سبب سقط جنین خواهد شد. همچنین در زمان لانه گزینی، پیامهایی بین جنین و مادر

۵۱. همچون آیه «... ان امهاتهم الا اللابی ولدنهم ...» سوره مجادله، آیه ۲، یا «و وصینا الانسان بوالديه حملته امه وهنا علی وهن ...» سوره لقمان، آیه ۱۴ و «وانته اخرجکم من بطون امهاتکم ...» سوره نحل، آیه ۷۸.

مبادله می‌شود که به تمایز و نمو سلولهای تمایزنیافته جنین، کمک می‌کند. نقش مهم دیگر رحم در تشکیل جفت است که در مبادلات غذایی، تنفسی و مواد دفعی جنین با مادر نقش اساسی دارد. این مقدار اطلاعات، حقایقی است که تاکنون علم توانسته پرده از آن بردارد و ممکن است در آینده، علم به حقایق دیگری در این رابطه دست یابد.^{۵۲}

حال این پرسش مطرح است، نقشی که رحم در تکامل جنین دارد و در علم جدید به اثبات رسیده، آیا می‌تواند داوری عرف را تغییر دهد؟ درست است که نقش اولی را در تکون جنین، نطفه ایفا می‌نماید، اما نقش رحم را هم نمی‌توان در تکامل جنین نادیده گرفت و رحم را تنها در حکم یک ظرف دانست و نقش دیگری برای آن قائل نبود. بنابراین منطقی است که بتوان انتساب کودک را به زن صاحب رحم پذیرفت.

گفتار سوم. نزدیکی و نقش آن در پیدایش نسب

آیا در پیدایش نسب، مقاربت و نزدیکی نقش دارد یا خیر؟ ممکن است با توجه به پاره‌ای از مواد قانون مدنی، همچون مواد ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰ و غیره که در آن کلمه نزدیکی به کار رفته است، چنین استنباط نمود که قانونگذار خصوصیت دیگری را نظیر انجام رابطه جنسی بین زن و مرد (نزدیکی) برای پیدایش نسب شرط دانسته است، بنابراین در لقاح مصنوعی نمی‌توان حکم بر نسب نمود، زیرا نزدیکی انجام نشده است. در پاسخ باید گفت اولاً، کلمه «نزدیکی» به عنوان فرد شایع و مصداق معمول

۵۲. سخنرانی دکتر غفاری در میزگرد حقوقی و پزشکی نخستین سمپوزیوم مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین، چاپ شده در بولتن تولید مثل و نازایی پژوهشکده بیولوژی جهاد دانشگاهی، فروردین ۱۳۷۸.

بیان شده است و قانونگذار در مقام بیان این نکته نبوده است که ایجاد نسب منحصر به آمیزش و نزدیکی است. ثانیاً، در مواردی که تفخیز یا مساحقه سبب پیدایش اولاد شود، شرع حکم به نسب داده و طفل مولود را به صاحب نطفه ملحق دانسته است، مگر آن که رابطه، نامشروع (زنا) باشد که نص بر قطع نسب داریم.

گفتار چهارم. تأثیر مشروعیت نزدیکی در پیدایش نسب

درست است که در مشروعیت نسب، نزدیکی مشروع (نکاح و شبهه) شرط است اما آیا برای پیدایش نسب هم مشروعیت نزدیکی شرط است؟ در پاسخ باید گفت: در مورد ولدالزنا دو نظریه وجود دارد. نظریه نخست: آن که ولدالزنا به هیچ یک از زانی و زانیه ملحق نمی‌شود. پس اگر مردی با زنی زنا کند و از آن فرزندی به وجود آید به صاحب نطفه منتسب نمی‌شود. این نظریه از شهرت فتوایی برخوردار است و صاحب جواهر^{۵۳} برای اثبات این نظریه به اجماع منقول و محصل استناد می‌کند و آن را ضروری قلمداد نموده است (اجماعی و ضروری می‌داند). صاحب جامع المقاصد نیز با عبارت «اما ولدالزنا فلا نسب له»^{۵۴} همین نظریه را تأیید نموده است. برای اثبات نظریه مشهور به ادله اجماع و حدیث فراش استناد شده است که هر دو دلیل قابل مناقشه است. زیرا اولاً، اجماع محصل صاحب جواهر نسبت به ما اجماع منقول محسوب می‌گردد. علاوه بر آن، چنین اجماعی از درجه اعتبار ساقط است. چرا که مدرک

۵۳. جواهرالکلام، ج ۱۰، صص ۴۹۴-۴۹۵.

۵۴. جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۱۹۰.

اجماع کنندگان معلوم یا لااقل محتمل است و آن حدیث فراش است. ثانیاً، اجماع هنگامی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد و گرنه خود اجماع، قطع نظر از کاشفیت، اعتباری ندارد. ثالثاً، اگرچه حدیث فراش از حیث سند مشکلی ندارد و به صحت و تواتر معروف است ولی از جهت مفاد و دلالت قابل ایراد است، زیرا کاربرد حدیث در موارد مردد و مشکوک بین فراش و زانی است که جانب فراش تقویت شده است و در جایی که فراش وجود ندارد مثل زن بیوه یا زنی که شوهرش غایب است و ولد به او ملحق نمی‌شود، نمی‌توان گفت الولد للفراش و همانگونه که محقق خوئی گفته است: روایت (قاعده) فراش یک حکم ظاهری است که در مقام تردد بین انتساب فرزند به زوج یا زانی جاری است و این قاعده در مقام بیان حکم واقعی نیست.^{۵۵}

نظریه دوم: بعضی از فقها نظریه نخست را مورد مناقشه قرار داده و معتقدند که کودک نامشروع به مرد و زن زناکار ملحق می‌شود و تنها ارث به حکم نص خاصی استثنا شده است پس شرعاً ولد الزنا فرزند زانی و زانیه محسوب می‌شود (لانه مخلوق من مائه فهو یسمی ولداً).^{۵۶} از تعبیر فقها نیز چنین استنباط می‌شود که آنها در بحث ارث، زانی و زانیه را پدر و مادر فرض نموده‌اند و تنها توارث از آنها نفی شده است. مثلاً شهید در لمعه می‌فرماید: «ولد الزنا یرثه ولده و زوجته لا ابواه»^{۵۷} شیخ در نهایه می‌گوید: «ولا یرثه ابواه»^{۵۸} و در مستند الشیعه نیز آمده است «ولد الزنا لایرث من

۵۵. علامه ایروانی و سید محمد خلیلی، بحث محقق خوئی، احکام الرضاع فی فقه الشیعه، ص ۷۷.

۵۶. همانجا؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۴۴؛ کاظمی، مسالک الافهام، جزء ۳، ص ۲۱۶.

۵۷. لمعه، ص ۲۳۸.

۵۸. نهایه، ص ۶۸۱.

والده الزانی»^{۵۹} این که فقها و به تبع آن قانون مدنی، زنا را مانع ارث دانسته است، مشخص می‌گردد مقتضی توارث که نسب می‌باشد، وجود دارد، ولی زنا مانع از تأثیر آن است. چنان که در قتل و کفر نیز چنین است. یعنی نسب موجود است ولی کفر و قتل مانع می‌باشد.

با توجه به آنچه که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت در مورد زنا نیز نسب وجود دارد و احکام نسب از جمله مانعیت نکاح، نفقه، حضانت و لزوم اخذ شناسنامه (رای وحدت رویه شماره ۶۱۷-۱۳۷۶/۴/۳) و سایر موارد، جز ارث وجود دارد که آن هم دلیل و نص خاصی دارد. در نتیجه این نوع نسب از حیث شرع، لغت، عرف و قانون قابل اثبات است.

مبحث چهارم - وضعیت شرعی و فقهی انتقال (اهدای) جنین

در گذشته اشاره شد که تلقیح مصنوعی می‌تواند در درون رحم یا خارج رحم صورت گیرد. همچنین بیان کردیم که تلقیح در درون رحم یا با اسپرم زوج صورت می‌گیرد یا با اسپرم بیگانه. در فرض نخست: چون تلقیح با اسپرم زوج صورت می‌گیرد، با اجرای اصالة الاباحه باید گفت هیچ منع شرعی ندارد و فقها به جواز آن نظر داده‌اند.^{۶۰}

در فرض دوم: که تلقیح با اسپرم بیگانه صورت می‌گیرد، به دلیل این که آیات^{۶۱} و اخبار وارده^{۶۲} که بر حفظ شرمگاه، اعم از نگاه، مقاربت،

۵۹. مستندالشیعه، ج ۲، ص ۷۶۳.

۶۰. خوبی، مستحدثات المسائل، صص ۴۳-۴۲.

۶۱. سوره نور، آیه ۳۰؛ سوره مؤمنون، آیات ۷-۵.

۶۲. روایات: «امتر نطقته فی رحم یحرم علیه»، کافی، ج ۵، ص ۵۴۱؛ «افرج ماء فی امرأة حراماً»، وسایل، ج ۱۴، ص ۲۳۹ و خصال، ص ۱۲۰ «لوضعه ایاها فی غیر موضعه الذی امره ... عزوجل»، وسایل، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

ریختن نطفه غیر و یا قرار دادن نطفه غیر در آن دلالت دارد، حرمت قابل استنباط است و چون حرمت مستنبط عام و فراگیر است پس هر طریقی را چه به آمیزش باشد یا تلقیح دربرمی گیرد، در نتیجه راهی برای اجرای اصول برائت و اباحه باقی نمی ماند، تا قائل به جواز شویم، لذا این روش ممنوع است و فقها^{۶۳} نیز بر ممنوعیت آن نظر داده اند.

سایر روشهای تلقیح، مشمول فرض نخست می باشد و دلیلی بر حرمت و ممنوعیت آن وجود ندارد، زیرا این روشها، عناوین ویژه ای هستند که شامل عناوین حرام از قبیل زنا، ریختن یا قرار دادن نطفه در رحم نمی باشد و با اجرای اصول برائت شرعی و عقلی و اباحه می توان حکم به مجاز بودن آنها داد.

بنابراین انتقال و اهدای جنین، روش ممنوعی از لحاظ شرعی برای پیدایش نوزاد نمی باشد، خواه جنین از نطفه زوجین یا از نطفه بیگانه تشکیل شده باشد، هر چند که قانون نحوه اهدای جنین، تنها جنین متشکل و متکون از نطفه زوجین و نه بیگانه را تجویز نموده است.

مبحث پنجم - ماهیت حقوقی اهدای جنین

در اهدای جنین، این پرسشها مطرح است که اولاً: رابطه حقوقی صاحبان جنین با جنین چیست؟ یعنی آیا بین این دو علاقه و رابطه مالکیت وجود دارد؟ و جنین، جزئی یا عضوی از بدن صاحبان جنین تلقی می شود، یا رابطه جنین و صاحبان آن یک نوع رابطه ولایی و قیمومی است؟ ثانیاً:

۶۳. آیت اله سید علی موسوی سیستانی، منهاج الصالحین، ص ۴۵۹؛ آیت اله سید محمد صادقی الحسینی الروحانی، المسائل المستحدثه، صص ۸-۹.

جنین ارزش اقتصادی دارد و مال محسوب می‌گردد تا بتواند موضوع اعمال حقوقی معوض یا غیرمعوض قرار گیرد؟ و به طور کلی آیا جنین و اجزای اولیه سازنده آن که اسپرم و تخمک می‌باشد در قالب اعمال حقوقی بیع، هبه، صلح خواه در مقابل اخذ عوض (پول یا غیر آن) یا بدون آن قابل انتقال به دیگری می‌باشند؟ و امکان اعراض یا رفع ید از آنها وجود دارد، یا خیر؟ از طرفی دیگر، آیا اطلاق عنوان جزء البدن بر عناصر اولیه سازنده جنین، یعنی اسپرم و تخمک صحیح می‌باشد و می‌توان این عناصر را همچون چشم و کلیه و سایر اعضای بدن دانست یا صدق چنین عنوانی بر آنها مشکوک و مردد است؟ و اصولاً معامله و فروش اعضای بدن قراردادی صحیح است؟ یا مخالف با شأن و کرامت انسانی می‌باشد؟

این پرسشها و دهها پرسش دیگر، همچون حکم فرزند حاصل از نطفه تجمید شده، حکم مالکیت اعضای قطع و جدا شده از بدن، اجاره رحم، تلقیح پس از مرگ صاحب نطفه، که با مسائلی همچون قراردادهای راجع به حقوق مربوط به شخصیت، حقوق جنین ناشی از تلقیح و مسائل دیگر گره خورده است، پرسشهایی است که پاسخگویی به همه آنها مستلزم تدوین نوشته‌ای جامع و مفصل می‌باشد و در این مختصر نمی‌گنجد.^{۶۴}

آنچه که از نظر فقهی می‌توان در خصوص فروش اعضای بدن بیان داشت، این است که اولاً: فروش اعضای بدن جایز نیست، ولی می‌توان حتی در مقابل اخذ مال، جهت استفاده دیگران تحت اختیار آنها قرار داد، البته به جز اجزای رئیسه و اصلی بدن همچون پا، دست و چشم که اعطای

۶۴. بررسی این موضوعات در نوشته‌ای جامع که به صورت کتاب منتشر خواهد شد، توسط نگارنده در دست تدوین است.

آن به دیگری به هیچ وجه جایز نیست،^{۶۵} پاره‌ای از فقها هم اخذ پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو نه خود عضو جایز می‌دانند.^{۶۶} اما با همه آنچه که بیان شد، مناسب است در این قسمت نگاهی کوتاه و گذرا بر قراردادهایی که موضوع آن انتقال اجزای بدن آدمی است، داشته باشیم.

مبحث ششم - وضع حقوقی قراردادهایی که موضوع آن انتقال اجزای بدن آدمی است

۱- از دیدگاه فقه

فقها بحث مستقلی در این خصوص ندارند، اما در پاره‌ای از فروع فقهی به موضوع اشاره دارند. در مسأله واگذاری نطفه و اهدای جنین شاید با دو مشکل مواجه باشیم. نخست آن که با توجه به نجس‌العین بودن نطفه آیا معامله آن صحیح است؟ دوم آن که در مورد جنین، بعد از ولوج روح که صدق انسان بر آن صحیح است، آیا امکان واگذاری وجود دارد یا خیر؟^{۶۷} در مورد مسأله نخست، پاره‌ای از فقها در بحث مکاسب مجرمه به موضوع پرداخته‌اند، از جمله مرحوم شیخ انصاری در مکاسب^{۶۸} که می‌فرماید: «بدون اشکال، بیع اسپرم حرام می‌باشد. چرا که اسپرم نجس بوده

۶۵. مرحوم خوئی می‌فرماید: «لا يجوز بيعها، لعود هامية عند تحويلها، ولكن يجوز اخذ مال مقابل جعلها تحت اختيار المستفيد بها، في غير الاجزاء الرئيسة للانسان، كاليد و الرجل و العين، فلا يجوز اعطاؤها اصلاً»، صراط النجاة، ج ۳، ص ۱۹۸، مسأله ۵۹۷.

۶۶. ناصر مکارم شیرازی، مجموعه استفتانات جدید، ص ۱۶۷، مسأله ۵۹۹ و ص ۴۴۴، مسأله ۱۴۶۰.

۶۷. از نظر پزشکی این که بتوان جنین را تا مرحله ولوج روح که حدود چهار ماه یا چهار ماه و نیم می‌باشد در محیط آزمایشگاهی نگهداری نمود مسأله محل تردید است.

۶۸. «لا اشکال فی حرمة بیع المنی لنجاسته و عدم الانتفاع به اذا وقع فی خارج الرحم ولو وقع فیہ فکذا لک لا ینتفع به المشتري لان الولد نماء الام فی الحيوانات عرفاً و للأب فی الانسان شرعاً» مکاسب با تعلیقات کلانتر، ج ۱، ص ۸۵.

علاوه بر آن اگر در خارج رحم واقع گردد، قابلیت بهره‌برداری را ندارد و اگر در رحم واقع شود، نیز چنین است. زیرا، که ولد در حیوانات به نظر عرف نما و نتیجه مادر است و در انسان تابع پدر است، عمده دلیل شیخ انصاری بر منع خرید و فروش اسپرم، نجس‌العین بودن و نداشتن منفعت عقلایی برای خریدار است که هر دو قابل مناقشه است. زیرا با توجه به دانش روز، اولاً امکان انتفاع عقلایی از اسپرم وجود دارد و ثانیاً صرف نجس بودن چیزی منع از تملک و خرید و فروش آن نمی‌شود، بلکه این امر بازگشت به عدم منفعت عقلایی دارد، زیرا مثلاً اگر گوشت مردار (میته) که نجس‌العین است برای تهیه غذای پرندگان مورد معامله قرار گیرد، بدون اشکال است. چنان که فقها معامله روغن نجس را برای مصرف روشنایی جایز می‌دانند. مرحوم شهیدی در حاشیه بر مکاسب نیز می‌گوید: بیع اسپرم نه حرام است نه فاسد و اگر قدما فتوی به حرمت داده‌اند ملاک عدم منفعت محله بوده که امروزه قابل انتفاع است. فلا وجه لمنع بیع المنی.^{۶۹} در مورد مسأله دوم، چون جنین در اولین روزهای تشکیل به رحم منتقل می‌گردد، بنابراین ولوج روح قطعاً صورت نگرفته است، تا ایراد مطرح شده وارد باشد.

۲- از دیدگاه حقوق

قدر مسلم هر انسانی حداقل مرکب از دو نوع شخصیت می‌باشد. یکی شخصیت جسمی و دیگری شخصیت معنوی و اخلاقی. نویسندگان در تعریف حقوق مربوط به شخصیت و ویژگیهای آن گفته‌اند: حقوق مربوط

۶۹. رک. علی محمدی، شرح مکاسب، ج ۱، صص ۷۴-۷۳.

به شخصیت، حقوقی است که از شخص انسان حمایت می‌کند تا منافع مادی او، این حقوق غیرقابل انفکاک از شخص و شخصیت انسان است. موضوع این حقوق، عناصر تشکیل دهنده شخصیت است. این حقوق جزء دارایی به شمار نمی‌آیند و در نتیجه به وراثت شخص منتقل نمی‌شوند، همچنین این نوع حقوق نمی‌توانند موضوع قرارداد واقع شوند و قابل انتقال و اسقاط نیستند. ولی باید گفت که این اصل دارای استثنائاتی است، مثلاً اگر قراردادهای مورد اشاره با نفع مشروع و عقلایی منعقد گردد و صدمه و زیانی به انسان نرساند، می‌تواند صحیح باشد.^{۷۰} همچنین، قراردادهایی که دارای نفع عمومی است بی‌شک نافذ و معتبر است، نظیر فروش خون،^{۷۱} اعطای عضو جهت پیوند.^{۷۲}

با توجه به آنچه که از دو دیدگاه فقه و حقوق بیان شد، اهدای جنین از لحاظ حقوقی و فقهی صحیح و معتبر است و همان‌اخذ رضایت‌نامه کتبی از زوجین اهداکننده و دریافت‌کننده جنین، که قانون پیش‌بینی کرده، انتقال را جایز می‌گرداند، زیرا صاحبان جنین، یک نوع سلطه خاص حقوقی (اگرچه تعبیر به مالکیت نکنیم) بر جنین دارند که بدون اجازه آنها انتقال جایز نیست. رضایت و اجازه دریافت‌کننده جنین هم لازم است، زیرا به هر

۷۰. برای مطالعه تفصیلی رک. دکتر سید حسین صفایی و دکتر سید مرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)، ص ۱۵ به بعد.

۷۱. ماده ۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ که به دارندگان آزمایشگاهها اجازه می‌دهد اقدام به خرید و فروش خون کنند و آیین‌نامه راجع به انتقال خون مصوب ۱۳۳۸. فقها نیز فروش خون را تجویز نموده‌اند از جمله رک. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۶۲۵ می‌فرمایند: «لاقوی جواز الانتفاع بالدم فی غیر الاکل و جواز بیعه لذلک ...».

۷۲. ماده ۲ آیین‌نامه بند ۳ ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی پیشین با شرایطی آن را پذیرفته بود و در حال حاضر با توجه به بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی می‌توان پیوند عضو را با رضایت اعطاکننده مجاز دانست.

ترتیب زنی که می‌خواهد جنین را در رحم خود پرورش دهد، باید به این امر راضی باشد و چون شوهر وی نیز در این رابطه تکالیف و وظایفی پیدا می‌کند و محدودیتهایی در حق تمتع وی حاصل می‌شود باید رضایت دهد. لذا قانون اخذ رضایت را از آنها لازم دانسته است.

مبحث هفتم - حقوق کودک مولود

در مباحث پیش که از ماهیت نسب صحبت شد، توضیح دادیم که در الحاق این نسب به زوجین متقاضی با توجه به آن که صاحبان جنین نباید ناشناخته باشند تردیدی نیست، زیرا عرف و به تبع آن قانون چنین نسبی را به رسمیت شناخته است. در نتیجه از بین فروض مطرح شده که نسب را به زوجین صاحب نطفه ملحق می‌دانست و یا از لحاظ نسب مادری، نسب را به صاحب تخمک و صاحب رحم (نظریه دو مادری) ملحق می‌دانست و نظریه مورد قبول قانونگذار، هیچ اشکالی بر نظریه‌ای که قانون مطرح ساخته دیده نمی‌شود، زیرا، اولاً زوجین صاحب نطفه ناشناخته باقی می‌مانند و ثانیاً حمایت از طفل اقتضا می‌کند که قانون تعیین تکلیف نماید و والدین قانونی طفل را شناسایی نماید. بنابراین می‌توان حقوق کودک مولود را نظیر حقوق نسب مشروع دانست.

نتیجه گیری و پیشنهاد

از مجموع مباحث طرح شده، چنین مشخص گردید که تکون طفل از تلقیح نطفه مرد و زنی که رابطه زوجیت دارند در خارج از رحم و انتقال آن به رحم زن متقاضی نازا که شوهر وی راضی به دریافت جنین می‌باشد موضوعی است که با هیچ یک از مقررات شرعی تنافی و برخورد ندارد و شناسایی چنین نسبی و الحاق آن به زوجین متقاضی به نحوی که کودک مولود از همه حقوق نسب مشروع برخوردار باشد، با اصول و قواعد کلی حقوق منطبق می‌باشد. بنابراین شایسته بود، که قانونگذار در تنظیم ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین، نسب کودک متولد شده از اهدای جنین را با عباراتی صریح و روشن به زوجین متقاضی، ملحق می‌دانست و وضع حقوقی کودک را از لحاظ ارث و سایر آثار و نتایج نسب، دقیقاً مشخص می‌ساخت. با این همه، قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» هر چند که قانونی دیر هنگام بود، اما می‌توان آن را اقدامی مثبت در راستای به رسمیت شناختن اقدامات منتهی به تلقیح مصنوعی ارزیابی نمود، که با کامل شدن این قبیل مقررات در آینده، کاستی‌های قانونگذاری مرتفع خواهد شد.